

۲۰۲۵ سرآغاز تنش‌های جدید؟

استراتژی غرب در برابر ایران به دو گزینه تعامل یا تقابل خلاصه می‌شود. تحمیل محدودیت‌های جدید، تشدید فشارهای تحریمی یا تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، می‌تواند شرایط فعلی را به دوره پیش از برجام بازگرداند

گروه سیاسی - سال ۲۰۲۵ با نزدیک شدن به پایان محدودیت‌های مشخص شده در توافق هسته‌ای برجام علیه برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران، به سالی حیاتی در سیاست بین‌الملل تبدیل شده است.

در چنین شرایطی کشورهای اروپایی به دنبال بازتعریف سیاست‌های خود در قبال ایران هستند. اظهارات اخیر امانوئل مکرون و گزارش‌هایی از منابعی همچون آکسیوس، بر این نکته تأکید دارند که اروپا نگران از دست رفتن ابزارهای نظارتی و اقتصادی بر برنامه هسته‌ای ایران است.

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه روز دوشنبه ۶ ژانویه در دیدار با سفرای خارجی گفت برنامه هسته‌ای ایران در حال رسیدن به نقطه غیر قابل بازگشت است. او افزود: فرانسه نیاز به یک استراتژی و گفت‌وگوی راهبردی دربارۀ ایران با دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا دارد و این کار را خواهد کرد.

و همچنین اظهار کرد؛ رهبران کشورهای باید از خود بپرسند که آیا می‌خواهند مکانیسم بازگشت تحریم‌ها علیه ایران (مکانیسم ماشه) را تا قبل از اکتبر سال جاری فعال کنند یا نه.

اکنون کشورهای اروپایی در تلاش‌اند تا سیاستی بین‌فشار و مذاکره را در پیش گیرند. این رویکرد که به نوعی تکمیل‌کننده بدعهدی و بی‌عملی آمریکا و اروپا نسبت به اجرای تعهداتشان در برجام است، ضمن تقویت فضای



نوبت جبهه کرانه

صهیونیست‌ها که بعد از چند دوره حملات نظامی گسترده به کرانه باختری واردگاه جنین و کمک گرفتن از مزدوران تشکیلات خودگردان، تصور می‌کردند می‌توانند مقاومت را در کرانه باختری از بین ببرند، اکنون با موج عملیات‌های ضد اسرائیلی در این منطقه شوکه شده‌اند

گروه بین‌الملل - کافی است یک گلوله شلیک شود یا حادثه‌ای در این منطقه رخ دهد؛ به یک باره مانند آتشی زیر خاکستر، دامن اسرائیل رامی‌گیرد. این خاصیت منطقه‌ای به نام کرانه باختری فلسطین است. در این بین، «عبدالباری عطوان» تحلیل‌گر برجسته جهان عرب و سردبیر روزنامه فرانطقه‌ای رأی‌الیوم، سر مقاله جدید این روزنامه را به بررسی تحولات اخیر در کرانه باختری و گسترش مقاومت

در این منطقه ضد رژیم صهیونیستی اختصاص داده و نوشت: جشن بنیامین نتانیاھو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر و سایر صهیونیست‌ها بعد از اتفاقاتی که در سوریه با برنامه‌ریزی قبلی این رژیم و متحدان ترکیه‌ای و آمریکایی آن اتفاق افتاد، خیلی دوام نمی‌آورد و این جام‌مقاومت فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه، همه این جشن‌ها را برای صهیونیست‌ها خراب می‌کند.

صهیونیست‌ها بدون ترک فلسطین روی آرامش را نمی‌بینند

عبدالباری عطوان با اشاره به عملیات‌های قهرمانانه‌ای که رزمندگان مقاومت در کرانه باختری و عمق فلسطین اشغالی انجام داده و تلفات جانی، مالی و روانی زیادی به صهیونیست‌ها وارد می‌سازند، تأکید کرد عملیات ضد صهیونیستی در شهرک «کدومیم» که دوروز پیش توسط سه تن از رزمندگان مقاومت در نزدیکی شهر قلقلیه در شمال کرانه باختری انجام شد و این رزمندگان به سمت اتوبوس و خودروهای صهیونیست‌ها تیراندازی کردند و سه تن از صهیونیست‌ها را به هلاکت رساندند و ۹ تن دیگر را زخمی کردند، بار دیگر قطب‌نمای عربی و کل جهان را به مسیر درست آن در سطح سیاسی و رسانه‌ای برگرداند؛ یعنی به سمت آرمان فلسطین. این تحلیل‌گر فلسطینی ادامه داد: این عملیات نشان داد که دشمن صهیونیستی جز با ترک فلسطین روی آرامش و امنیت را نخواهد دید و جنایتی که در نوار غزه، یمن و لبنان انجام می‌دهد، هرگز بدون پاسخ تلافی‌جویانه و یرانگر نخواهد ماند. اهمیت این عملیات در نزدیکی شهرک کدومیم از آن‌جا ناشی می‌شود که این شهرک، یکی از مستحکم‌ترین و حفاظت‌شده‌ترین شهرک‌های صهیونیستی است که توسط نیروهای اشغالگر محافظت می‌شود. «بزالل اسمورتیج» وزیر فاشیست کابینه نتانیاھو هم از ساکنان همین شهرک است.



اهداف و استراتژی‌های اروپا: تعامل یا تقابل؟

اروپا ضمن تلاش برای دستیابی به توافقی که محدودیت‌های بیشتر بر برنامه هسته‌ای ایران اعمال کند و نقش منطقه‌ای آن را کاهش دهد، سعی دارد با اهرم قرار دادن تهدید استفاده از مکانیسم ماشه، دیدگاه‌های سیاسی خود به ایران را تحمیل کند.

پیامدهای استفاده اروپا از مکانیسم ماشه در صورت استفاده اروپا از مکانیسم ماشه شرایط طرف‌های حاضر در برجام به زمان قبل از امضای این موافقت‌نامه بازمی‌گردد.

در چنین شرایطی با بلغی شدن مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل مجموعه تحریم‌هایی که پیش از امضای برجام علیه ایران وضع شده بود، مجدداً فعال خواهد شد. این در حالی است که

عملیات‌های مقاومت به خانه‌های

صهیونیست‌ها رسید

مهم‌تر از همه این است که مجریان این عملیات خیلی سریع توانستند از محل خارج شوند و نیروهای اشغالگر که به شکل گسترده در مکان عملیات مستقر بودند، نتوانستند به مجریان این عملیات قهرمانانه برسند. اما آن‌چه که بیش از همه، اسرائیلی‌ها عم از کابینه و شهرکنشینان این رژیم را آزار می‌دهد، انتقال عملیات‌های قهرمانانه و ضد صهیونیستی فلسطینی‌ها به خانه‌ها، خودروها و اتوبوس‌های صهیونیست‌هاست؛ به ویژه این که این عملیات‌ها توسط مردم کرانه باختری و نوار غزه انجام می‌شود. در ادامه این مقاله آمده است: این اتفاق به معنای وارد کردن شکست نظامی و اطلاعاتی مرگبار به صهیونیست‌هاست و ثابت می‌کند که کابینه این رژیم در تأمین امنیت، ثبات و حمایت از شهرکنشینان صهیونیست ناکام مانده است. در این جا بیشتر توضیح می‌دهیم و می‌گوییم؛ وضعیت جنون‌خوینی که ارتش اشغالگر علیه غیرنظامیان فلسطینی پیش گرفته و جنگ نسل‌کشی و وحشیانه این رژیم علیه نوار غزه، در وهله نخست به طوفان الاقصی برمی‌گردد که جنگ را به قلب فلسطین اشغالی کشاند و شکنندگی امنیتی و شکاف عظیم در نهاد های جاسوسی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی را آشکار کرد؛ نهادهایی که این رژیم به آن افتخار می‌کرد و پیشرفته‌ترین ابزار فناوری را در زمینه رصد در اختیار دارد.

هماهنگی عملیات‌های داخلی فلسطینی‌ها با حملات موشکی یمن ضد اشغالگران

نویسنده این مقاله خاطر نشان کرد: آن‌چه که بیش از همه رژیم صهیونیستی را آزار می‌دهد و نگران می‌کند، هماهنگی میان عملیات‌های داخلی فلسطینیان علیه رژیم صهیونیستی با حملات موشکی پیشرفته یمنی‌ها به قلب صهیونیست‌ها در تل‌آویو، اسدود، النقب و... است؛ حملاتی که با دقت به اهداف خود می‌رسند و تشکیلات پدافندی چندلایه رژیم اشغالگر در رهگیری موشک‌های یمنی ناکام مانده است. عطوان تأکید کرد: کرانه باختری، این خانه شیرها و ببرها، نقطه ضعف رژیم صهیونیستی و پاشنه آشیل این رژیم بوده و اشغالگری و ساکن کردن بیش از ۸۰۰ هزار شهرکنشین صهیونیست در این منطقه نتایجی کاملاً معکوس برای اسرائیلی‌ها داشت؛ به ویژه بعد از گسترش سلاح‌ورسیدن

هم‌اکنون و به رغم بلغی نشدن قطعنامه ۲۲۳۱ بخش مهم و تأثیرگذار این تحریم‌ها با فشار آمریکا در حال اجراست و حتی اروپا هم از آن‌ها پیروی می‌کند.

توجه به این واقعیت نشان می‌دهد که اعمال مکانیسم ماشه تغییر خاصی در شرایط تحریمی حال حاضر ایران نخواهد داشت. این در حالی است که توانمندی هسته‌ای صلح آمیز ایران از ۱۰ سال قبل (آغاز موافقت‌نامه برجام) تاکنون به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و شرایطی که آمریکا و اروپا از آن به عنوان تهدید ایران یاد می‌کنند، با اجرای اسنپ بک وواکنش ایران به این اقدام به‌طور قطع تشدید خواهد شد. علاوه بر این و در صورتی که اروپا قصد استفاده از اسنپ بک را داشته باشد، توافقات اخیر ایران با افاتل گروسی برای کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای توسعه همکاری‌ها به منظور حل و فصل پرونده‌های فی‌مابین نیز با چالش‌رو به‌رو خواهد شد.

نقش آمریکا و سایر بازیگران جهانی گزارش‌هایی مانند تحلیل اخیر آکسیوس نشان می‌دهند که دولت آمریکا و متحدان اروپایی آن نحوه مواجهه با ایران را یکی از چالش‌های بزرگ سال ۲۰۲۵ می‌دانند. چنان که در گزارش اخیر آکسیوس آمده، عدم دستیابی به توافق تاواسط سال می‌تواند شرایط موجود را پیچیده‌تر و غرب آسیا را وارد مرحله‌ای جدید از بی‌ثباتی کند.

آسان آن به دست‌رزمندگان مقاومت از نسل جوان فلسطین که همیشه مشتاق فداکاری و شهادت هستند. کرانه باختری یک منطقه تنگ و باریک مانند نوار غزه نیست که بتوان آن را محاصره کرد، بلکه مساحتی چند برابر نوار غزه دارد و نزدیک به ۳ میلیون جمعیت در آن هستند. همچنین در کرانه باختری، صهیونیست‌ها و فلسطینیان در مناطقی نزدیک به هم زندگی می‌کنند و همین مسئله تهدیدات را علیه اسرائیلی‌ها بیشتر می‌کند.

سیلی مقاومت به نتانیاھو و وزیر جنگ او در کرانه باختری

عبدالباری عطوان با اشاره به تهدیدات نتانیاھو و «اسرائیل کاتس» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی علیه کرانه باختری و این که گفته بودند «اجازه نخواهند داد واقعیت کرانه باختری مانند نوار غزه شود و تهدیدی از کرانه باختری متوجه اسرائیلی‌ها باشد»، پرداخت و گفت: به نظر می‌رسد که نتانیاھو و وزیر جنگ او نمی‌دانند در طول ۷۶ سال گذشته، ما صدها بار این تهدیدات را شنیدهایم و دیگر فایده‌ای ندارد، بلکه مردم فلسطین و نسل جدید آن‌ها این بار با اسلحه و گلوله پاسخ دشمن را می‌دهند نه فقط با چاقو. این نسل هستند که آینده فلسطین و حتی شاید کل منطقه را می‌سازند نه نتانیاھو. در ادامه این مقاله به تأکید شده است: واقعیت جدید در کرانه باختری این است که شاهد یک وحدت حقیقی میان همه گروه‌های فلسطینی به ویژه حماس، جهاد اسلامی و گردان‌های شهدای الاقصی وابسته به جنبش فتح، در زمینه مبارزه و جهاد ضد دشمن صهیونیستی هستیم و این هماهنگی و همبستگی این روزها بسیار بیشتر شده است. ثمره این وحدت را در تشدید عملیات‌های قهرمانانه ضد اسرائیلی می‌بینیم و مهم‌تر از همه این است که گروه‌های فلسطینی دیگر تمایزی میان مزدوران تشکیلات خودگردان و نیروهای اشغالگر صهیونیستی قائل نیستند؛ و به ویژه بعد از این که این تشکیلات همه خطوط قرمز را با جنایات بی‌شرمانه در اردوگاه جنین رد کردند. این انسجام مقدس میان کرانه باختری و نوار غزه، ضربه مرگباری به اسرائیل وارد ساخته و تبدیل به تهدیدی راهبردی برای امنیت این رژیم شده و پروژه شهرک‌سازی آن را ریشه کن کرده است. روزهای آینده پر از شگفتی‌ها خواهد بود و باید منتظر بمانیم.

اخبار | ۱۱



یهود دیگر از خون نمی‌ترسد؟!

بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند طی ۱۵ ماه اخیر پس از طوفان الاقصی به مرور با چهره جدیدی از صهیونیسم و یهود مواجه بوده ایم. صهیونیسم، فرقه‌ای است که با نظامی‌گری و خشونت پیوند خورده است و از طریق تثبیت یک ترس فراگیر از مرگ پس از هولوکاست توانسته یک دولت جعلی را در جغرافیای دینی-اسطوره‌ای فلسطین شکل دهد. تشکیل اسرائیل یک اتفاقی رسانه‌ای (media event) است اما اکنون می‌توان گفت بقای اسرائیل هم بر اساس اتفاقات رسانه‌ای پیگیری می‌شود.

یهود و صهیونیسم برای سال‌ها به عنوان فرقه‌ای به شدت حساس نسبت به «خون و مرگ» شناخته شده است. به کنایه گفته می‌شد اگر بند انگشت یک اسرائیلی در جنگی قطع شود و در خاک دشمنش باقی بماند، دولت یهودی برای پس گرفتنش مذاکره خواهد کرد. گفته می‌شد اسرائیل توان جنگ‌های طولانی را ندارد و زمانی که که تعداد کشته‌هایش بیشتر از انتظار باشد یا حتی دو نفر از نیروهای نظامی‌اش به اسارت درآیند، عقب‌نشینی می‌کند و به آتش بس و مذاکره روی می‌آورد. اما طی این ۱۵ ماه گویی چهره جدیدی از موجودیت خبیث صهیونیسم به نمایش درآمده. به راستی چه چیزی این امکان را به نتانیاھو می‌دهد تا جنگی چنین پرهزینه را ادامه دهد و به رغم این که ده‌ها نفر گروگان در اختیار حماس است و ده‌ها هزار صهیونیست آوار ه‌اند، محبوبیت و مقبولیتش در داخل سرزمین‌های اشغالی همچنان باقی باشد؟

مانوئل کاستلر در کتاب مهمش «قدرت ارتباطات، به سراغ بررسی مکانیسم اثر ارتباطات از طریق تصویرسازی ذهنی می‌رود. او با استفاده از پژوهش‌های عصب‌شناختی نشان می‌دهد که قدرت، حاصل دستکاری تصاویر ذهنی مخاطبان و ساخت معناست. مهم‌ترین مصداق مورد اشاره کاستلر سیاست رسانه‌ای جرج بوش در جنگ ۲۰۰۳ در عراق است. کاستلر نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های آمریکا توانستند با اطلاعات غلط احساسات مردم آمریکا به خصوص «ترس از مرگ» را تحت تأثیر قرار دهند و به آنها ثابت کنند که حمله به عراق ترس از مواجهه با مرگ را کاهش داده است! اقرار مکرر نتانیاھو و رسانه‌های رسمی رژیم به دشواری این برهه زمانی و سختی جنگ، مصرفی داخلی داشت. این سیاست رسانه‌ای در واقع نوعی مدیریت هیجانات عمومی در نسبت با اقدامات خشونت‌بار ارتش اسرائیل بود. نتانیاھو طی ماه‌های اخیر بارها تأکید کرد که «این جنگ یک جنگ وجودی است» و هست و نیست اسرائیل را به آن گره زد. به نظر می‌رسد کاهش اعتراضات داخلی و افزایش حمایت صهیونیست‌ها از اقدامات او نشان دهنده موفقیت این سیاست رسانه‌ای است. او توانسته خشونت بی‌ملاحظه در بمباران غزه و لبنان را به عنوان تنها امکان بقا به کاهش احساس ترس از مرگ در داخل تبدیل کند.

به عبارت دیگر سیاست رسانه‌ای بوش در جنگ ۲۰۰۳ و نتانیاھو در جنگ اکنون برخلاف آن چه انتظار می‌رود، بر حفظ امنیت روانی مردم از طریق دور نشان دادن سایه جنگ و برجسته کردن توان نظامی داخل نبوده، بلکه از طریق برجسته کردن تهدید قریب الوقوع و جلب موافقت برای بهترین و سخت‌ترین اقدام علیه آن بوده است. نتانیاھو به جای صادر کردن این پیام که «مردم! این جنگ جنگ ما نیست، شما راحت بخوابید، دشمن کوچک است و ما به راحتی خطر را دفع خواهیم کرد» پیام هشدار مرگ و زندگی را صادر و تمام هیجانات ضد جنگ را به نوعی حمایت‌گری از جنگ تمام‌عیار خود به عنوان «جنگ تک‌تک صهیونیست‌ها و حتی یهود در سراسر جهان»، تبدیل کرد.

تلفن تماس بخش پشتیبانی

۳۷۰۰۹۹۱۴

سفرارش آنلاین

امکان ارسال عکس

دریافت فاکتور

استفاده از متن‌های پیشنهادی

WWW.۳۷۰۱۰۰.IR

آسان‌ترین راه سفارش آگهی ترحیم و تسلیت

